

ساختار ذهنی

Mental structure

تدوین کننده:

خلیل رحمانی

مشاور و معامله گر بازار های مالی

www.fxcma.com

Channel : Telegram.me/Tradde

Contact : Telegram.me/Fxcma



مقدمه

در بخش اول ، ساختار ذهن ناخودآگاه بررسی شد و شما ریشه ی باور ها و احساسات عمیق خود در باره پول را کشف نمودید در واقع جایگاه کنونی خود را از نظر طرح کلی ذهنی شناسایی کردید و دریافتید که آن طرح کلی ذهنی شما از پول است که علت تمام موفقیت ها و شکست های مالی شماست سپس گفته شد که برای تغییر آن طرح کلی و تغییر نتایج ، شما باید ذهن ناخود آگاه خود را دوباره برنامه ریزی و شرطی کنید .

برای ایجاد تغییر نهایی ، شما باید تغییراتی در درون خود ایجاد کنید که شامل تغییر در باورها و دیدگاه ها ، تغییر در احساس عمیق ، تغییر در ویژگیها و مهارت ها و تغییر در عملکرد ها می باشد . اکنون در بخش دوم پیشنهاد هایی برای تغییر مطرح می گردد . این بخش شامل معرفی ویژگیهای شخصیتی و فکری ثروتمندان است و نتیجه سالها تحقیق و بررسی سایر نویسندگان و محققین از زندگی افراد ثروتمند می باشد . با الگو برداری از این ویژگیها می توانید ناخودآگاه خود را دو باره برنامه ریزی و شرطی کنید . و به ذهن ثروت ساز دست یابید .

هر بخش باید به دقت مطالعه و سپس تکرار و تمرین گردد . دانستن این ویژگیها به تنهایی شما را به نتیجه نخواهد رساند . باید خود شما صاحب این ویژگی ها شوید . در نهایت فراموش نکنید که داشتن تخصص و مهارت کافی در شغلتان و نیز داشتن دانش تجارت و مدیریت کسب و کار بخشی مهم از فرایند ثروتمند شدن است .

آیا افرادی را می شناسید که عادت به برنده شدن داشته باشند ؟ مثلا در بازی کارت یا تخته نرد ، در قرعه کشی ها ، در انجام معاملات ، در جواب دادن به سوالات تستی و ده ها مورد ریز و درشت دیگر . گویی برنامه ای ویژه ، برای برنده شدن و موفقیت ، در ذهن آن فرد نصب شده است .

ذهن انباریست از فایل های بسیار ، هر یک از این فایل ها شامل پاسخ و واکنش مناسب به موقعیت های مختلف است . یک موقعیت را تصور کنید . مثلا ماشین شما کهنه شده و استهلاک آن بالاست ، شما احتمالا به قسمت اقتصادی انبار ذهن خود رجوع میکنید تا فایل هایی را بیابید که شامل مناسب ترین گزینه باشد . با خود فکر میکنید که " من میتونم یک **207** صفر بخرم و از آن لذت ببرم "

پول لازم هم در حسابتان هست . اما هیچ فایلی در ذهن شما یافت نمی شود که به شما یادآوری کند که برای باز پرداخت بدهی خود ، باید پول کنار بگذارید و اکنون زمان مناسب برای خرید ماشین نو نیست . گزینه خرید آن ماشین ، به نظر بهترین گزینه می آمد و حس خوبی هم به شما می داد . توجیه کافی هم داشتید . اما لزوما بهترین نتیجه را نخواهید گرفت ، چه بسا برعکس نتیجه ای نامطلوب هم بگیرید .

در ذهن شما ی مثالی هیچ فایلی شامل این اطلاعات وجود نداشت : " هنگامی که بدهی دارم باید بیشتر مراقب هزینه ها باشم "

شاید هم فایل هایی با این اطلاعات در انبار خود ذخیره کرده بودید :

" خدا بزرگه " ، " توکل به خدا " ، " حالا یه کاریش میکنیم " ، " سخت نگیر چیزی نمیشه " و



افراد ثروتمند فایل‌هایی در ذهن خود دارند که شامل اطلاعات لازم برای موفقیت‌های مالی آنهاست. اگر فایل‌های موجود در ذهن شما، شامل اطلاعات لازم برای موفقیت مالی نباشد آنگاه تصمیمات شما صرفاً انتخاب‌هایی هستند که لزوماً بهترین و یا درست‌ترین نبوده‌اند، حتی اگر شما اینطور فکر کرده باشید.

در بخش اول تلاش بر شناسایی الگوهای ناکارآمد ذهنی بود، الگوهایی که مانع موفقیت و پولدار شدن شما می‌شدند. پس از شناسایی این الگوها و افکار، شما باید آنها را رها می‌کردید. هر زمان که می‌خواستید خود را گرفتید و متوجه شدید در حال عمل کردن بر مبنای آن الگوهای ناکارآمد قدیمی هستید، بلافاصله خود را جمع و جور کنید و الگوی متفاوتی را به خود یادآوری کنید. بخصوص زمانی که در شرایط سخت مالی قرار می‌گیرید و ترس و تردید به سراغتان می‌آید، این بهترین زمان برای توجه دادن به الگوهای جدید است. در ادامه گفتیم که ضمیر ناخودآگاه را دوباره باید برنامه‌ریزی کرد تا ذهن در مسیری جدید شرطی شود.

□♦ " اکنون زمان برنامه‌ریزی دوباره ضمیر ناخودآگاه است " ♦□

شما برنامه‌های قدیمی و ناکارآمد را شناسایی و حذف کرده‌اید و اکنون باید برنامه‌هایی کارآمد در جهت موفقیت در ذهن خود بارگزاری کنید.

ثروتمندان شمش اقتصادی بالایی دارند این شمش، همان فایل‌های مربوط به موفقیت است که در ناخودآگاهشان از پیش وجود دارد، این فایل‌ها حتی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری یک ثروتمند را هم در بر می‌گیرد. اکنون زمان آن رسیده که این فایل‌ها را یک به یک بشناسید و آنها را در خود نهادینه کنید تا بخشی از وجود و شخصیت شما بشوند.

تاکید میکنم، موفقیت یک مهارت است.

هر مهارتی برای کسب شدن به دو عامل نیاز دارد :

اول: کسی که آن را به ما بیاموزد

دوم: تکرار و تمرین

مهمترین اصل در موفقیت، ناخودآگاه کردن آن است درست مثل رانندگی، مکالمه زبان، نواختن موسیقی و هر مهارت دیگری، تنها و تنها با تکرار و تمرین می‌توان یک مهارت جدید را ناخودآگاه کرد. دقت کنید که برنامه‌ریزی مجدد ضمیر ناخودآگاه، همان شرطی‌سازی آگاهانه ذهن است یعنی الگوهای جدید ذهنی ایجاد کردن، یعنی فایل‌های جدیدی در ذهن ایجاد کنید که شامل اطلاعات لازم برای موفقیت مالی شما باشد، یعنی با آموزش و تکرار و تمرین، شمش پول زیاد درآوردن (موفقیت مالی) را در خود ایجاد کنید. وقتی به تعداد کافی از این فایل‌ها در ناخودآگاه خود داشتید، آنگاه در موقعیت‌های اقتصادی مختلف، به سوی گزینه پول درآوردن خواهید رفت.



اولین فایل ثروت که باید در ذهن خود جای دهید از این قرار است :

- ثروتمند معتقد است خودش زندگی خود را می سازد نه شرایط بیرونی و دیگران
- فقیر معتقد است زندگی به او تحمیل شده

اولین ویژگی یک ثروتمند این است که مسئولیت زندگی خود را می پذیرد و خود را " قربانی " شرایط و محیط نمی داند . قطعاً خانواده ، جامعه ، شرایط ، شانس و تقدیر بی تاثیر نبوده و نیستند ، اما اگر شما تقدیر را مغلوب نکنید او شما را مغلوب خواهد کرد. "حس قربانی بودن " بزرگترین نقطه ضعف یک ذهن فقیر است. تا زمانی که ذره ای احساس قربانی بودن در شما وجود دارد ، صاحب ذهن ثروت ساز نخواهید شد . تصمیم بگیرید که سکان دار کشتی زندگی خود باشید و آنرا به سوی اهدافتان هدایت کنید . یک جمله تاکیدی برای خود بسازید ، آنرا روی کاغذ بنویسید و جلو رویتان نصب کنید و همواره آنرا تکرار کنید تا به عادت و باوری جدید تبدیل گردد. همواره مراقب رفتارهای روزمره خود باشید تا مبادا خود را در نقش قربانی شرایط و روزگار قرار داده باشید. اینکه الان کجا هستید تعیین کننده عاقبت شما نیست ، اینکه به کجا می خواهید بروید تعیین کننده سرنوشت شماست .

یادنان باشد دنیای درونی شما دنیای بیرونیتان را می سازد .

جمله تاکیدی: " من زندگی خود را می سازم "

نمی توان هم احساس قربانی شرایط و روزگار بودن را داشت و هم ثروتمند شد . وقتی احساس قربانی بودن کنید در نهایت به چه چیزی دست خواهید یافت ؟ به قربانی بودن ، مگر می شود کسی جو بکارد ولی گندم برداشت کند ؟ پس اولین گام این است که ریشه این احساس قربانی بودن را پیدا کنید و سپس احساس جدیدی را جایگزین آن کنید : " شما ارباب زندگی و سرنوشت خود هستید "

سوال : چطور است که برخی افراد این راه را نرفته اند اما میلیونها و میلیارد ها پول کسب کرده اند ؟

جواب : صریح ترین جواب من این است : شما هم اگر میتوانید همین کار را بکنید اما اگر نمی توانید ، پس ادامه مطالب ذهن ثروت ساز را دنبال کنید .

کارما ، نقش غیر قابل پیش بینی در زندگی هر فرد دارد ، هرگز همه آدمها با تقدیر یکسان به دنیا نیامده اند (نقطه صفر آدمها یکی نیست) اما هیچ قانونی هم در کائنات نیست که بگوید شما نمی توانید تقدیر خود را تغییر دهید و یک نکته مهم دیگر اینکه شما قرار است ثروتمند شوید نه صرفاً پولدار ، یک ثروتمند هم پول دارد و هم اعتبار و هم شاد و خوشحال است . اما هر پولداری لزوماً خوشبخت نیست.



برای ثروتمند شدن دو راه ممکن است

اول قرار گرفتن در محیطی غنی که تفکرات و ویژگیهای شما را رشد دهد و شما را ناخودآگاه به سمت و سوی ثروتمند شدن بکشاند. بسیاری از ثروتمندان شاید خود قواعد ثروتمند شدن را ندانند. فقط در این مسیر قرار گرفته اند و یا از کودکی در معرض تربیت درست بوده اند. این درست مانند کسی است که زبان انگلیسی را در محیطی انگلیسی زبان می آموزد. او پس از مدتی به راحتی و به درستی انگلیسی صحبت خواهد کرد. اما اگر از او بپرسید "چطور زبان یاد بگیرم" احتمالا جواب مشخصی نخواهد داشت. او شاید حتی گرامر و قواعد زبان را هم به درستی نداند. فقط می تواند به خوبی صحبت کند، بسیاری از ثروتمندان از این دسته هستند. یعنی صرفا استعداد و توانایی ثروتمند بودن را دارند، همین، همانطور که دانشمندان زبان شناس با بررسی و مطالعه شیوه صحبت کردن افراد توانسته اند قواعد زبان و روشهای یادگیری را تدوین نمایند، اساتید موفقیت نیز با بررسی زندگی ثروتمندان توانسته اند قواعد کسب ثروت را استخراج و تدوین کنند و این ما را به دومین شیوه کسب ثروت می رساند.

دومین شیوه ثروتمند شدن برای کسانی است که در محیط و کانتکست ثروت نیستند. این افراد درست مثل کسانی هستند که در محیط فارسی زبان مجبور به یادگیری انگلیسی شده اند. باید از روی کتاب و کلاس پیش بروند و هر روز تمرین کنند. قواعد زبان را بیاموزند و با تکرار و تمرین در مکالمه انگلیسی روان شوند تا روزی که بتوانند به محیط انگلیسی زبان وارد شوند. کار برای این افراد طولانی تر خواهد بود و گاه سخت تر. اما ممکن و عملی است. دسته دوم الزاما باید با یادگیری قواعد ثروتمند شدن و گرفتن آموزش ها و نیز با تمرین و تکرار مسیر خود را باز کنند. برای افراد این دسته معاشرت با افرادی که ذهن ثروتمند دارند مسیر را بسیار کوتاه تر خواهد کرد و برعکس همنشینی با افرادی که دارای ذهن فقیر هستند آ شما را به شدت عقب نگاه خواهد داشت.

این سه نشانه به شما کمک می کند که بفهمید آیا احساس قربانی بودن می کنید یا خیر:

۱- سرزنش کردن: مقصر اصلی مشکلات مالی شما کیست و چیست؟ (صادقانه و از عمیق ترین بخش احساسات پاسخ بدهید) والدین؟ دولت؟ تحصیلاتتان؟ نداشتن سرمایه؟ خودتان؟... وقت آن رسیده که از سرزنش کردن خود و دیگران بخاطر وضع موجود دست بردارید. شما قرار است ارباب سرنوشت خود بشوید.

۲- گلایه و شکایت کردن: اگر همواره در حال شکایت کردن از وضع موجود هستید، بدون شک شما در اعماق ناخودآگاه خود احساس قربانی بودن میکنید. اما چرا گلایه ها و شکایت ها از وضع مالی، مانعی بر سر راه ثروتمند شدن است؟ هنگام گلایه کردن، تمرکز ذهنی ما، روی چیزهاییست که نمیخواهیم. و احساس ما منفی است. هنگامی که با حس منفی روی چیزی که نمی خواهید، تمرکز می کنید، خود را بیشتر و بیشتر درگیر آن چیز می کنید. (از هر چی بدت بیاد، سرت میاد) هنگامی گلایه کردن از وضع بد مالی، در واقع تمرکز شما روی مشکلات مالی است و شما در حال خلق و جذب کردن مقدار بیشتری از همان مشکلات هستید. شما با احساس خود، به موقعیت ها جان می دهید. پس دقت کنید که چه چیزی را به زندگی خود وارد می کنید. نمی شود هم احساس قربانی بودن کرد هم ثروتمند شد. کسی که احساس قربانی بودن میکند یک بازنده است.

۳- توجیه کردن: سومین نشانه ی داشتن حس قربانی بودن، "توجیه کردن" است: آنها که نمی توانند به موفقیت مالی دست پیدا کنند، یا دیگران را سرزنش میکنند یا وضعیت خود را توجیه می کنند. یکی از خطرناک ترین انواع توجیهات این است که بگویید "پول ارزشی ندارد" افراد ثروتمند برای پول ارزش قائلند.

پس از همین امروز این سه را در خود شناسایی کنید و آنها را به مرور زمان کنار بگذارید. در عوض این حس را در خود تقویت کنید که شما ارباب سرنوشت خویش هستید و همواره تکرار کنید: "من زندگی خود را می سازم"



سرزنش ، گلایه و توجیه کردن هر سه نشانه این است که فرد ، احساس قربانی بودن میکند ، قربانی زندگی و شرایط ، قربانی جامعه و محیط ، قربانی خانواده و کسی که احساس میکند قربانی شرایط شده نمیتواند ثروتمند شود چون این حس او را به سمت مقابل ثروت و خوشبختی می کشاند . چشمان خود را ببندید و تصور کنید سکان کشتی زندگی و سرنوشت خود را در دست دارید ، بادبانها را برافراشته اید و باد موافق کائنات شما را به سوی " هدف و رویایتان " هدایت میکند .

یادتان باشد بدون هدف و رویا ، هیچ بادی موافق نیست و کشتی شما به هرسویی میرود .

هرگاه حس کردید طوفانهای اقبانوس زندگی بر شما سخت گرفته و توان ایستادگی ندارید، سکان را به دستان " نیروی برتر ' بسپارید تا کشتی زندگی شما را هدایت کند

☑ **نکته کلیدی مهم :** به مدت یک هفته مراقب افکار و احساسات خود باشید . ممکن است در طول روز بارها بطور ناخودآگاه اقدام به گلایه ، سرزنش و یا توجیه کردن نمایید . اگر خود را در حین ارتکاب این اعمال یافتید با ملایمت و آرامش و بدون احساس گناه با خود صحبت کنید و به خود یادآور شوید که شما خالق زندگی و سرنوشت خویش هستید . این شماست که جهان خود را می سازید . به خود یادآور شوید که هر چند هنوز کنترل کاملی بر شرایط و وقایع ندارید اما هر چه بیشتر رشد کنید کنترل شما نیز بیشتر خواهد شد ، پس صبور باشید و بدانید که اگر با فرایند زندگی همراهی و همکاری کنید زندگی نیز با شما همکاری خواهد کرد . نقطه کنونی خود را در دفتر چه ای ثبت کنید تا در آینده بدانید چقدر پیشرفت کرده اید . هر هفته سراغ دفترچه بروید و میزان تغییرات و پیشرفت جنبه های ذهنی و شخصیتی خود را یادداشت کنید . یادتان باشد هیچ ویژگی و قابلیت بدنی بدون تمرین بدست نخواهد آمد . دانستن فقط گام اول است . یادگیری بدون بکارگیری ارزشی نخواهد داشت.

فایل دوم ثروت :

اگر موفق شده اید فایل اول ثروت را بصورت یک ویژگی جدید در خود ایجاد نمایید اکنون فایل بعدی را به عنوان دومین ویژگی در خود نهادینه کنید

- ثروتمند به هدف سود کردن و برنده شدن وارد هر کاری می شود .
- فقیر ، در تلاش است تا پولش را از دست ندهد.

تعریفتان از زندگی مالی تان کدام است؟

شما بر روی تسمه ای که به سرعت به سمت عقب حرکت میکند در حال تقلا کردن برای ماندن در وضعیت کنونی هستید؟

یا تسمه زندگی شما ، همراه با شما به پیش میراند ؟

اگر پاسخ ، مورد اول است پس نیاز دارید رویکرد و احساس خود را تغییر دهید و از این پس رویکردتان در بیزنس ، تولید سود زیاد باشد نه درجا زدن ، برای شفاف تر شدن موضوع و تشخیص بهتر ، به این سوال پاسخ دهید:

آیا تمام تلاش شما این است که آخر ماه ، قبض های برق و تلفن ، کرایه ها ، اقساط وام ها و احتمالا حقوق کارمندانتان را بپردازید؟

پس تمرکز شما صرفا روی درآوردن همین مقدار پول خواهد بود. افراد طبقه متوسط کمی جلوتر هستند . آنها برای کمی رفاه و تفریح هم پول دارند اما هنوز هم در رستورانها ، ابتدا به قیمت غذا نگاه می کنند.

پس تمرکز مالی شما باید روی آن مقدار پول باشد که واقعا خواهان آن هستید. شما همانقدر بدست می آورید که انتظار آن را داشته باشید .

یکی از برنامه های ناکارآمد ذهنی که مانند ویروس در ناخودآگاه بعضی ها جا خودش می کند این باور است که "پول درآوردن سخت است " اگر شما هم اینطور فکر می کنید پس در حال تلاش و تقلا برای حفظ وضعیت مالی خود هستید و در ذهنتان استراتژی خاصی برای سود کردن ندارید . اکنون وقت آن است که رویکردتان را تغییر دهید . در هر کسب و کاری که هستید هدف شما باید برنده شدن باشد. (نه به آن معنا که کسی دیگر بازنده شود تا شما برنده شوید) ابتدا یک جمله تاکیدی مانند این برای خود طراحی کنید :

" من در کسب و کارم برنده هستم و سود می کنم "

سپس میزان پولی که می خواهید از کارتتان بدست آورید را به عنوان یک هدف روی کاغذ بنویسید و در جایی در معرض دید خودتان قرار دهید ، یادتان باشد که نباید یک رقم توهمی انتخاب کنید . در گام نخست رقم مورد نظر شما می تواند بیست درصد بیشتر از مقداری باشد که قبلا باور داشتید می توانید کسب نمایید . خلاق باشید و کارهای لازم برای رسیدن به هدفتان را تشخیص دهید و اقدام کنید .



سومین فایل ثروت:

- ثروتمند برای موفقیت و بدست آوردن پولی که می خواهد. "مصمم و متعهد" است .
- فقیر فقط آرزوی پولدار شدن را دارد .

حتما شما هم با مواردی برخورد داشتید که وقتی کارد به استخوان می رسد ، تصمیمات جدی می گیرید و تغییرات بزرگی را به انجام می رسانید . اگر در حالت عادی از شما بخواهند از روی تنه درختی باریک که روی دره ای در ارتفاع صد متری قرار داده شده عبور کنید به احتمال بسیار قوی این کار را نخواهید کرد ، مگر اینکه : انگیزه ای بسیار قوی در شما وجود داشته باشد. مثلا جانتان در خطر باشد ، یا بخواهید جان عزیزی را نجات بدهید .

(ترس و لذت انگیزاننده های اصلی انسان هستند)

برای ثروتمند شدن باید خود را متعهد به این کار کنید ، خواستن تنها، کافی نیست . آنچنان متعهد به ثروتمند شدن بشوید که گویی برای نجات جانتان مبارزه می کنید . مراقب باشید باورهای ناکارآمد قدیمی شما را دلسر نکنند ، ضمنا باید خواسته ها و اهدافی مشخص و واضح داشته باشید . اگر دقیقا ندانید چه می خواهید ، چیزی بدست نخواهید آورد. هدف دو ویژگی مهم دارد : الف) مقدار آن مشخص است . ب) زمان آن مشخص است.

وقتی می گویند " می خواهم ثروتمند شوم " یعنی اگر موقعیت پولدار شدن پیش آمد حتما استفاده خواهیم کرد اما موقعیت های اتفاقی و شانسی برای پولدار شدن بسیار نادر هستند و " خواستن " لزوما به " داشتن " نمی انجامد مگر اینکه این خواستن آنقدر قوی باشد که به عمل و اقدام منجر شود . باید ثروتمند شدن را وظیفه خود بدانید و تلاش لازم را برای آن بکنید اما نقاط استراحت را فراموش نکنید ، نگذارید تلاش شادمانه شما به تقلایی خسته کننده تبدیل شود. هر گاه مزرعه خود را شخم زدید و بذر ها را کاشتید ، بیل خود را بر زمین بگذارید و تا باریدن باران استراحت کنید.

در مسیر موفقیت ، گاه باید ایستاد و آرام گرفت تا هماهنگی خود را با کائنات باز یافت .

اگر ثروتمند شدن را وظیفه خود بدانید آنگاه می توانید هر قدر لازم شد کار کنید، از خواب و تفریح خود بزنید و هر فداکاری دیگری انجام دهید تا از آن پل باریک بگذرید اما فقرا فقط مایلند داستانهای مهیجی در باره ثروت و ثروتمندان بشنوند و باز گو کنند و جملات زیبایی در باره موفقیت کپی پیست نمایند اما به خود زحمت تغییر کردن را نمی دهند پس :

عمل گرا باشید

هدف خود را مشخص کنید

برای هدفتان اندازه و زمان مشخصی تعیین کنید

اقدامات لازم برای رسیدن به هدف را مشخص کنید

ذهن و احساسات را در راستای هدفتان کوک نمایید

و سپس حرکت کنید .



چک لیست ثروت

از سه فایل ثروت که تا اینجا مطرح شده چه دست آوردهایی داشته اید؟ لطفا برای خودتان یک چک لیست تهیه کنید
من موفق شده ام :

1- برنامه ها و باور های ذهنی ناکارآمد و نامطلوب قدیمی را کنار بگذارم .

2- به این باور رسیده ام که "من زندگی خودم را می سازم" و من ارباب زندگی و تقدیر خود هستم .

3- من کار و تجارت می کنم تا برنده شوم و سود فراوان بدست بیاورم. نه اینکه فقط زنده بمانم .

4- من به ثروتمند شدن متعهدم و هر کاری لازم باشد در این راستا انجام میدهم

و اکنون با چک لیست فقرا مقایسه کنید.

1- ده ها و صد ها دلیل و علت هست که من نمی توانم ثروتمند شوم .

2- شرایط من بسیار بد و سخت است نه در گذشته کسی به من کمک کرد و نه الان کسی به من کمک می کند هیچ کس با این شرایط نمی تواند ثروتمند شود.

3- من تمام تلاشم را می کنم و شبانه روز کار می کنم اما فقط می توانم به اندازه اجاره و قبضها و اقساط وامم پول بدست آورم .

4- من می خواهم پولدار شوم ، هر چی بیشتر بهتر . کاش معجزه ای می شد من هم شانس می آوردم و پولدار می شدم .

اگر هم احساس میکنید هنوز بطور کامل به این ویژگیها دست نیافته اید در مقابله هر کدام از موارد درصد آن را بصورت یک عدد بنویسید و یک فلش رو به بالا کنار آن قرار دهید تا یادتان باشد که همواره در حال رشد هستید ، اگر از ویژگیهای ذهن فقیر در خود سراغ دارید روی آن تمرکز نکنید و همواره به خود یادآور شوید که در حال پیشرفت هستید و این چک لیست را برای مطالب بعدی نیز ادامه دهید.



چهارمین فایل ثروت

اگر معتقدید شما ارباب زندگی خود هستید و برنامه شما داشتن سود زیاد در کسب و کارتان است و نیز به ثروتمند شدن متعهد هستید ، اکنون باید گام بعدی را بردارید :

- ثروتمندان افکار بزرگ در سر دارند .
- فقرا به چیزهای کوچک می اندیشند .

به چند نفر از ثروتمندانی که میشناسید فکر کنید ، کدامشان کار کوچک و معمولی ارائه داده اند؟ کدامشان تعداد مشتری های محدود و انگشت شمار داشته اند؟ شما به چه تعداد مشتری فکر می کنید؟ قرار است محدوده کار شما تا کجا گسترده باشد؟

برای ثروتمند شدن باید خدمات خود را به دست افراد بیشتری برسانید. باید به این باور برسید که توانایی چنین کاری را دارید و پس از آن ، قابلیت های مدیریتی لازم جهت توسعه کار خود را کسب کنید .

برنده شدن در کسب و کار یک قانون دارد : باید کاری کنید که مشتری شما نیز برنده شود و این برنده شدن را احساس کند. یعنی درکسب و کارتان ، منافع مشتری خود را در نظر بگیرید .

اگر به کسب و کاری کوچک و محلی فکر میکنید بعید است بتوانید ثروتمند شوید . پس همین الان یک نقطه هدف اولیه برای خود در نظر بگیرید ، یک فکر بزرگ : شما میخواهید خدمات خود را به چند هزار نفر ارائه کنید؟



پنجمین فایل ثروت

- ثروتمند بر فرصت ها تمرکز دارد
- فقیر بر موانع

فایل پنجم از کلیدی ترین فایل‌های ثروت در ذهن ناخودآگاه یک فرد موفق است ، اینجاست که تفاوت افراد خوش شانس و بد شانس معلوم می شود ، قانون جذب نیز به همین صورت عمل میکند، هنگامی که تمرکز شما بر فرصتهاست ، فرصت ها را به چشم شما می آورد و وقتی که بر موانع تمرکز می کنید ، موانع را خواهید دید ، در نظر بگیرید قرار است با دوچرخه از مسیری پر از موانع کله قندی عبور کنید، اگر همه حواس شما متمرکز بر موانع باشد احتمالاً بارها با آنها برخورد خواهید کرد اما اگر مسیر بین موانع را ببینید ، شانس موفقیت شما بیشتر خواهد بود .

شاید شما هم بارها سعی کرده باشید که کارهای کوچک و بزرگی را بدون خرابکاری یا بدون سروصدا انجام دهید اما موفق نشده اید . در این حالت تمرکز شما بر چیزی است که نمی خواهید اتفاق بیفتد ، شما می خواهید خرابکاری نکنید ، سروصدا نکنید یا به چیزی نخورید اما همه این اتفاقات می افتد همین الان سعی کنید روی کاغذ بین دو نقطه ، خطی راست ترسیم کنید . اگر تمام سعیتان بر این باشد که کج نروید و نگاهتان به مسیر باشد ، کار خود را سخت کرده اید اما اگر بجای نگاه کردن به مسیر و دقت بیهوده ، در تمام مدت کشیدن خط نگاه شما متمرکز به نقطه دوم یعنی همان هدف باشد خط بسیار راست تر و بهتری ترسیم خواهید نمود .

البته درک این موضوع همیشه به این راحتی هم نیست و تمرکز بر موانع اغلب بطور ناخودآگاه اتفاق می افتد چرا که بصورت عادت درآمده است . برای رهایی از عادت ناخودآگاه تمرکز بر موانع ، باید عادات مثبت جدیدی ایجاد نمود (عادت تمرکز بر فرصت ها و خواسته ها) . بسیار پیش می آید که شخص در مواجهه با " مشکلات " بطور ناخودآگاه موانع را می بیند و احساس ناامیدی و ترس و غیره را در خود بیدار می کند. البته با داشتن دیدگاه های متعالی تر می توان واژه " مشکل " را به " چالش " یا " فرصت " تغییر داد و فضای بین موانع را به عنوان فرصتی برای عبور و رسیدن به هدف دید.



نشانه ها

اغلب آدمی خود متوجه نیست که بر موانع تمرکز کرده است نه خواسته هایش. این نشانه ها به شما کمک خواهند کرد که متوجه وضعیت ذهنی عاطفی خود بشوید.

1- اگر در حال گلابه کردن از مشکلات هستید تمرکز شما بر موانع است.

2- اگر انتخاب و تصمیم گیری شما با ترس همراه است ، تمرکز شما بر موانع است .

3- اگر ذهنتان در کشمکش و تقلاست تا بفهمد کجای کارتان اشتباه بوده یا کجا ممکن است اشتباه کنید ، باز هم تمرکزتان بر موانع است .

4- جملاتی مانند " اگر نشد چه ؟" بدین معناست که تمرکز شما بر موانع است .

5- اگر قادر به ریسک کردن نیستید پس تمرکز شما بر موانع است .

6- اگر از تغییر استقبال نمی کنید و ترس دارید می توان گفت بر موانع تمرکز کرده اید .

7- اگر این دست و آن دست می کنید و بی عمل و بی حرکت مانده اید و وقت کشی میکنید بدانید که تمرکز شما بر موانع است.

اکنون خودتان تصور کنید که چگونه می توان تمام فرایندهای بالا را برعکس کرد و بر فرصتها تمرکز نمود .

اکنون شما یک قدم به داشتن ذهن ثروت ساز نزدیک تر شده اید زیرا :

1- شما بخاطر وجود فرصت های کوچک و بزرگ در زندگیتان احساس رضایت و خشنودی می کنید و تهدیدها و چالش ها نمی هراسید .

2- انتخاب ها و تصمیم گیری های شما با امید و یا حتی با اطمینان همراه است نه با ترس و تردید .

3- شما از اشتباهات گذشته درس می گیرید و می دانید اشتباه کردن جزئی از موفقیت و پیشرفت است .

4- هنگام رو برو شدن با چالش ها و مشکلات بجای نگرانی از نشدن ها به خود می گوئید : " اگر شد چه ؟"

5- از تغییر استقبال می کنید و اجازه نمی دهید ترس ، شما را متوقف کند. (بترس ولی انجام بده)

6- وقتی تصمیم به انجام کاری جدید می گیرید، پس از انجام تحقیقات و مطالعات لازم ، به جای این دست و آن دست کردن برمی خیزید و اقدام می کنید .



ششمین فایل ثروت

مورد ششم بسیار ساده و ملموس است و شناسایی آن کار سختی نیست.

- ثروتمندان افراد پولدار و موفق را تحسین میکنند
- آنها که ذهنی فقیر دارند ، از افراد پول دار و موفق متنفر هستند.

صدها فیلم سینمایی گواه این مورد است. پولدارهای بد ، فقرای خوب و شریف. رابینهود ، تایتانیک و صدها داستان دیگر که سعی دارند فقرا را شریف و پولدارها را دزد نشان دهند. شاید ملموس ترین تجربه در مورد کسانی باشد که ماشینهای مدل بالا سوار می شوند. فقرای زیادی هستند که به خط انداختن روی ماشین های مدل بالا علاقه دارند ، این مسئله ریشه در آموزه های اجتماعی و سیستم فرهنگی شخص دارد ، چه بسیار فقرا که نمی دانند شرافت و خوبی ربطی به پول ندارد و به تربیت انسان مربوط است ، اگر در اعماق ذهن و احساسات ، در مخفی ترین زوایای قلبتان از ثروتمندان و پولدارها نفرت دارید، اگر با دیدن افراد موفق حس حسادت در شما بیدار شود حتی اگر لبخند بزیند و تبریک بگویید، آنگاه شما راه خود را برای ثروتمند شدن ناهموار کرده اید.



هفتمین فایل ثروت

- ثروتمندان با افراد موفق و مثبت در ارتباطند.
- افراد دارای ذهن فقیر با افراد منفی نگر و ناموفق در ارتباط هستند.

موقعیت های مشابه ، بکدیگر را جذب میکنند.

اگر در کنار افراد منفی و نا امید احساس راحتی می کنید، اگر معاشرین شما همواره در حال گلایه از روزگار و بدبختی هایشان هستند و اگر بودن در کنار افراد موفق شما را آزار می دهد . پس در این صورت شما بدون اینکه خود بدانید مسیر فقر ذهنی را برگزیده اید.

قطعا شما نمی توانید در شوره زار ، انتظار رویش درختان پر میوه را داشته باشید.

برای ثروتمند شدن باید بدانید ثروتمندان چگونه پول خود را به جریان می اندازند ، باید روشهای سرمایه گذاری ثروتمندان را یاد بگیرید و شاهد عملکردهای آنها در مراحل مختلف کار و زندگی باشید . و از همه مهمتر، بدانید که در فکر و ذهن یک ثروتمند چه می گذرد چرا که تمام اقدامات یک ثروتمند ، نتیجه افکار و نگرش های اوست. (الگو برداری)

پس در یک کلام ، شما باید با افراد ثروتمند و موفق همنشین شوید.

انرژی قابل انتقال است و شما بطور ناخودآگاه انرژی مثبت یا منفی معاشرین خود را جذب می کنید پس از افراد منفی و ناموفق بخصوص آنها که همواره در حال گلایه کردن هستند دوری کنید تا بیماری آنها به شما سرایت نکند اما گاهی نمی توان یک عضو منفی خانواده یا یک فرد نزدیک را کنار گذاشت و از او دوری کرد . در چنین مواردی تسلیم شدن بدترین گزینه است .

هرگز قبل از اینکه شما را بکشند ، خودکشی نکنید

سعی نکنید این افراد را به زور تغییر دهید چون باقی مانده انرژی خود را نیز از دست خواهید داد. دوما تسلیم نگرش منفی این افراد نشوید و هر بار که در معرض گرد و غبار منفی بافی های این افراد قرار گرفتید به مراقبه بنشینید و خانه ذهن خود را گردگیری نمایید. هرچند بسیار دشوار است که بتوان با وجود نزدیکی منفی باف و شرایط نامساعد ، همچنان مثبت اندیش باقی ماند . اما به امتحان آن می ارزد

رژیم موفقیت شما شامل پرهیز از تماشای برنامه های پوچ و بی محتوای تلویزیون هم می شود. هر آنچه فضای ذهنی و عاطفی شما را مسموم کند باید دور ریخته شود . یادتان باشد آنها که ذهنی ثروتمند دارند فروتن هم هستند ، آنها دوست دارند که موفقیت را به دیگران نیز منتقل کنند چون هر قدر افراد موفق بیشتری دور و برشان باشد خود ، انرژی مثبت بیشتری دریافت خواهند کرد .

نکته : ممکن است شخصی فکر کند که مثبت اندیش است اما واقعا اینگونه نباشد . دانشمندان عصب شناس آزمایشاتی برای تشخیص این موضوع دارند که به میزان فعالیت دو نیم کره مغز مربوط می شود اما راه در دسترس تری هم هست :

اگر در راه رسیدن به هدفی برای شما مانع یا مشکلی پیش کدام جمله را به خود می گوئید ؟ " اگر دوباره اینطور شد چه ؟ " " اگر نشد چه ؟ "

یا این جمله : " دفعه بعد حتما موفق می شوم " ، " دفعه بعد ، می شود " ، " آه تصور ذهنی شما از " دفعه بعد " ، مانع متمم ک شده با بر فرصت ؟



زمانی را صرف تفکر و تعمق در احساسات و نگرش های عمیق خود کنید . اگر متوجه شدید ذهن شما بیشتر به سمت منفی بافی تمایل دارد این کار را بکنید: از خود بپرسید اگر فردی موفق و مثبت اندیش بودم اکنون چه حسی داشتم؟ چه جمله ای بر زبان می آوردم؟

این همان کلیدی است که شما نیاز دارید

❑ **نکته کلیدی مهم :** موفقیت یک مهارت است که باید آموخته شود . برای کسب هر مهارتی باید وقت گذاشت . در مسیر موفقیت شاید نتوانید خرگوش باشید اما لاکپشت بودن بهتر از سنگ بودن است . لاکپشت دیر یا زود به جایی میرسد اما سنگ هرگز



هشتمین فایل ثروت

- ثروتمندان به دنبال رشد و ارتقاء هستند.
- افراد دارای ذهن فقیر به خود و ارزشهای خود اعتماد و باور ندارند .

اگر نتوانید ارزشها و کارایی خود را به دیگران نشان دهید چگونه می توانید درآمد خود را بالا ببرید؟ ثروتمندان همواره در حال رشد و پیشرفت هستند و ارزشهای خود را به دیگران نشان میدهند.

فقرا نیز دو گروهند :

- الف) آنها که ارزشها و قابلیت های خود را رشد می دهند اما ناتوان از ارائه ارزش و کارایی خویش به دیگران هستند .
- ب) آنها که تمایلی به رشد و ارتقاء ندارند.

یکی از عواملی که باعث می شود افراد رشد نکنند این است که آنها از شکست خوردن می ترسند . از این می ترسند که اقدام کنند اما به اهدافشان نرسند و پس از آن مجبور شوند که سرشکستی و سرزنش دیگران را تحمل نمایند . برخی دیگر هم باور ندارند که زندگی بیرونی آنها نتیجه تمام آن چیزبست که در ذهن و درونشان می گذرد. پس حرکتی برای رشد و ارتقا انجام نمی دهند و منتظرند که کائنات حق و سهم آنان را در دامنشان قرار دهد . هر فرد در کسب و کار خود در واقع فروشنده یک " ارزش " به دیگران است، چیزی که دیگران به آن نیاز دارند . بعضی فروشنده کالا و برخی دیگر فروشنده خدمات هستند. شما چگونه می توانید ارزش کالا یا خدمات خود را به خوبی و درستی به دیگران نشان دهید؟

باید به " ارزش " ی که ارائه می کنید " بها " بدهید ، آنرا معرفی کنید و کاری کنید که دیگران از کالا یا خدمات قابل عرضه شما به خوبی اطلاع داشته باشند . اگر شما نتوانید خود را نشان بدهید چگونه انتظار دارید دیده شوید؟ آن هم در دنیای امروز که ده ها و صدها نفر درصد ارائه "ارزش " های خود می باشند.

برای ثروتمند شدن شما یا کالایی را به دیگران میفروشید یا خدمات خود را عرضه می نمایید. در برخی از کسب و کارهای خدماتی، ، برند شما نام شماست. پزشکان و مدرسین مثال واضح این مورد هستند. گاهی نیز برند شما نام شرکت و سازمان شماست . در هر دو مورد شما باید برند خود را تقویت نمایید تا بتوانید درآمد خود را افزایش دهید. برای تقویت برند دو گام در پیش دارید :

- اول ارتقاء و رشد خودتان یا سازمانتان.
- دوم نشان دادن ارزشهایتان به دیگران و مشتریانان.

در کسب و کارهایی که با تولید یا فروش کالا سر و کار دارند نیز شما باید ارزشهای کالای خود را به مشتریان بشناسانید.

در تمام موارد یک اصل مشترک هست : اینکه شما باید دانش مارکتینگ و فروش و نیز دانش تجارت و سرمایه گذاری و دانش ارتباط با مشتری و مدیریت نیروی انسانی را بیاموزید ، ولی پیش از آن مطمئن شوید که رشد و ارتقاء لازم را در امور فنی و تخصصی کسب و کار خود داشته باشید.



در پرائنز: مدار فقر و مدار ثروت

قانون زندگی قانون باورها و مدارها می باشد. شما بر اساس باوری که دارید در مدار مربوط به آن باور قرار گرفته و تازمانی که در آن مدار قرار دارید مرتبا اتفاقات مربوط به آن مدار را تجربه خواهید کرد...

انسانی که در مدار فقر قرار دارند و باورهای فقیرانه ای دارند، در مداری قرار می گیرند که هر روز فقط آدم های فقیر رو می بیند، کارهایی به آن پیشنهاد میشود، وام هایی به او داده میشود که هر روز فقیرترش می کند، ایده هایی به ذهنش میرسد که فقط فقیرترش میکند، چون در مدار فقر قرار گرفته و مدام اتفاق هایی برای او می افتد که این باورهای فقیرانه رو به معرض نمایش میگذارد اما انسانی که در مدار ثروت قرار دارد، و به عنوان مثال بر این باوره که می تواند ماهی پنجاه میلیون تومان درآمد داشته باشد، چون در مدار پنجاه میلیون قرار دارد مدام ایده هایی به ذهنش میرسد، اتفاق هایی برایش می افتد، با افرادی مواجه میشود که در نهایت این فرد رو به درآمد ماهیانه پنجاه میلیون تومان میرساند

نکته جالب اینکه چون این فرد در این مدار پنجاه میلیون تومانی قرار دارد، نه میتونه به درآمد دوپست میلیون تومان در ماه برسد و نه مثلا درآمد ده میلیون تومان در ماه، چون به اطلاعات و منابع هیچ کدام از این دو مدار دسترسی ندارد، این امر در مورد تمامی جنبه های زندگی و در مورد تک تک افراد صدق می کند و ذهنت وقتی که هدفی رو به او میدی و هدفی برایش تعیین می کنی، با توجه به مداری که در اون قرار گرفتی به شما پاسخ میدهد که: آیا می توانی به این هدف برسی یا نه. !!! آیا مداری که در حال حاضر در اون قرار گرفتید به چنین منابعی که بتواند شما را به هدف برساند دسترسی دارید یا برای رسیدن به این هدف ویژه لازمه که مدار را تغییر دهید؟



نهمین فایل ثروت

- ثروتمند از مشکلاتش بزرگتر است.
- فقیر کوچکتر و ضعیفتر از مشکلاتش می باشد.

کمتر ثروتمندی را می شود یافت که مسیر پرفراز و نشیبی را طی نکرده باشد تا به جایگاه امروزش برسد.

یک میلیارد (ترجیحا خوشبخت) را که می شناسید در نظر بگیرید آیا مایلید همچون او ثروتمند باشید؟ آیا این آمادگی و توان را خود می بینید که قدم در مسیری بگذارید که او گذاشته ؟ پاسخ کسانی که ذهن ثروتمندی دارند به هر دو سوال مثبت است. اما فقرا فقط " آرزوی " ثروتمند شدن را دارند ولی شهادت مواجه شدن با چالشهای بزرگ را ندارند. مهم نیست مشکل پیش روی او چه اندازه است ، یک ثروتمند همواره بزرگتر از مشکلات است.

برای مواجهه با چالشهای بزرگ دو ویژگی لازم است:

- اول باید دانش و قابلیتهای خود را افزایش داده باشید.
- دوم باید با اعتماد به نفس و ایمان به خود ، خود را بزرگتر از مشکلات ببینید ، اگر ترس بر شما غلبه کند ، میدان را خالی خواهید کرد

پس : * بترسید ولی انجام دهید *

اگر بتوان قدرت و توان هر فرد را سنجش و درجه بندی کرد آنگاه معیاری برای مقایسه خود در مقابل مشکلاتمان خواهیم داشت ، اگر موفق ترین انسانها که چالشهای بزرگ را پشت سر نهاده اند رتبه ده را بگیرند شما به توان و قدرت خود چه رتبه و درجه ای میدهید؟

آنها که با بیماری های لاعلاج مبارزه کرده اند ، آنها که با وجود معلولیت ، جهانی شده اند ، آنها که از هیچ ، به مدارج بالای علمی و ورزشی و ثروت و غیره رسیده اند و از همه مهمتر آنها که با وجود ده ها و صد ها مانع و مشکل توانسته اند زندگی خوب و قابل قبول و پر از عشقی داشته باشند.

در قیاس با این افراد ، شما درجه خود را چند می دانید؟

اکنون یکی از چالشهای پیش رویتان را در نظر بگیرید و درجه سختی از یک تا ده به آن بدهید. این رتبه را با مقایسه مشکل یا چالش خود با مشکلات افراد موفق تعیین کنید. فرض کنید مشکل شما درجه پنج باشد و توان و قدرت شما درجه سه هست ، از نگاه شما ، مشکل پیش رو بسیار بزرگ به نظر خواهد رسید . اما اگر خود را ، هم در جنبه های درونی (فکری ذهنی ، عاطفی ، اعتماد به نفس و) و هم در جنبه های بیرونی (دانش و مهارتهای تخصصی ، دانش تجارت ، روابط و سایر مهارتهای فردی) ارتقاء و رشد دهید و به درجه هشت برسید آنگاه مشکل پیش رو ، دیگر بزرگ به نظر نخواهد رسید و برعکس مشکلی عادی و پیش پا افتاده خواهد بود.



همین الان ، درست همین الان هم بعضی مشکلات کوچک و ساده زندگی شما ، چالشهایی سخت و بزرگ برای شخصی دیگر است ، داستان آن نهال نوپا را شنیده اید که هر بار در برابر طوفان کمر خم میکرد و تا آستانه شکستن پیش می رفت ؟ او آنقدر بزرگ شد تا روزی به درختی تنومند تبدیل گردید و آنگاه آنچه او طوفان تصور کرده بود ، برایش چیزی جز نسیمی ملایم نبود .

فرقی نمی کند کاری کوچک در دست دارید یا کاری بزرگ ، مشکلات همواره وجود دارند پس برای فرار از مشکلات ، از کارهای بزرگ روگردان نشوید. اگر احساس می کنید مشکلات بزرگی دارید بدان معناست که شما هنوز کوچک تر از مشکلاتتان هستید ، تحت تاثیر امور و مسایل زندگی قرار نگیرید چرا که امور و مسائل دنیای بیرون در واقع انعکاس آن چیز است که در فکر و ذهن و احساس شما می گذرد ، اگر می خواهید تغییر بزرگی در زندگی خود به وجود آورید ، از نگرانی و توجه به "تعداد" و "اندازه" مشکلات کنونی خودداری کنید. چون تمرکز شما بر هر چه باشد زندگی شما نیز به همان سو کشیده می شود ، در مواجهه با مشکلات و چالشها، روی قدرت و توان خود متمرکز شوید. وقتی به مشکل بزرگی برمیخورید به خود یادآور شوید که "من کوچک هستم که مشکل را بزرگ می بینم" سپس به عقب برگردید و از دید "من رشد یافته" به مشکلاتان نگاه کنید.

از این زاویه دید ، شما مشکل را کوچک تر از خویش خواهید یافت و در این صورت است که می توانید راه کارهای مناسبی برای مواجهه با آن بیابید ، هر چه بیشتر چالش ها را پشت سر بگذارید توان بیشتری برای ورود به کارهای اقتصادی بزرگتر خواهید یافت ، هر قدر مسئولیت بیشتری بپذیرید مدیریت بهتری خواهید داشت و توان شما برای توسعه کسب و کارتان بیشتر خواهد شد ، و هر قدر کسب و کار خود را بیشتر توسعه دهید درآمد بیشتری خواهید داشت پس از مشکلات و چالشها نترسید چون آنها آمده اند که شما را رشد دهند .

برای آنکه از مشکلاتتان بزرگ تر باشید روی آنها تمرکز نکنید در عوض روی هدفتان متمرکز شوید.

آیا بجز در داستانهایی تخیلی شنیده اید که فیلهای از مورچه ها بترسند؟ شما نمی توانید در آن واحد هم به چپ بروید هم به راست ، به همین طریق ذهن شما نمی تواند در یک زمان هم بر روی خواسته ها و اهداف شما متمرکز شود هم بر روی ترسها و مشکلاتتان پس انتخاب کنید که سمت راست می خواهید بروید یا سمت چپ؟



دهمین فایل ثروت

- افراد ثروتمند گیرنده های خوبی هستند.
- افراد فقیر گیرنده های ضعیفی هستند.

به واژه گیرنده در عنوان توجه کنید ، ثروتمندان چه چیزی را خوب " می گیرند " ؟ پاسخ: پول ، ثروت و موقعیت های خوب را.

اگر خوب دریافت نکنید پس چیزی هم نخواهید داشت. ثروتمند کسی است که سهم زیادی از پول ، خوشبختی و ... را از زندگی " دریافت " می کند. بر عکس فقیر کسی است که گیرنده خوبی نیست و سهم کمی دریافت می کند. اما چگونه می توانیم ظرف و ظرفیت خود را برای دریافت بیشتر ، بالا ببریم؟ برخی معتقدند هر چه بیشتر بخششی زندگی ، بیشتر به تو می دهد. این به نوعی درست است اما بسیاری دچار سو تفاهم می شوند و اشتباهها هر آنچه را هم که خود نیاز دارند به دیگران می بخشند و دست آخر فقیر تر می شوند. حتی برخی در مورد مسائل احساسی هم زیاده روی می کنند و ممکن است در اثر بخشش بی رویه و بی حساب عاطفی دچار ورشکستگی و سرشکستگی عاطفی شوند.

یک ثروتمند خدمات و کالای خود را به دیگران می دهد و عرضه می کند و در قبالش پول دریافت می دارد.

این فرایند " دادن و عرضه کردن " باید جایگزین بخشش بی رویه و بی حساب شود.

یک ثروتمند با خدمات و کالای خود ، مشکلی را از دیگران بر طرف می کند و باعث ارتقا و بهبود زندگی دیگران می شود.

نکته کلیدی : در واقع بجای بخشش بی رویه ، عرضه ی حساب شده انجام می دهد.

دومین دلیل اینکه چرا برخی افراد گیرنده های خوبی نیستند این است که اعتقادات افراطی در مورد بخشش و ایثار دارند و فکر میکنند دادن بهتر از گرفتن است ، اگر چنین فکر می کنید آنگاه شما با بخشش و دادن افراطی ، فرصت خوب بودن را از دیگران دریغ کرده اید و به آنها اجازه بخشش و عرضه نداده اید. اگر دیگران هم گیرنده های خوبی نباشند آنگاه آنها نیز فرصت دادن و بخشش را از شما گرفته اند پس باید تعادل بین عرضه و تقاضا حفظ شود ، بخشش و دادن افراطی نشانه خودخواهیست چون فرصت دادن و عرضه را از دیگران می گیرد و ضعف در گرفتن نشانه عزت نفس پایین است. وقتی چیزی را عرضه می کنید حس خوبی خواهید داشت اما اگر کسی تمایل به دریافت آن نداشته باشد فرد عرضه کننده حس بدی پیدا خواهد کرد. ثروتمندان روز به روز ثروتمند تر می شوند زیرا تمایل به دریافت دارند و فقرا روز به روز فقیر تر می شوند زیرا تمایل به دریافت ندارند گویی وقتی تمایل به دریافت نداشتید سهم شما به سمتی می رود که کشش بیشتری باشد. (قانون خلاء)

ثروت مانند باران است ، اگر چتری بالای سر خود بگیرید بر شما نخواهد بارید.

اگر آموزه های خانوادگی و اجتماعی شما به گونه ای بوده که تمایل به دریافت پول و ثروت بد و منفی تلقی شده ، شما علی رغم تلاشتان گیرنده ی ضعیفی باقی خواهید ماند ، یادتان باشد بهترین کمکی که می توانید به فقرا کنید این است که جزء آنها نباشید.



نکته آخر:

پول باعث تشدید خصوصیات فردی شما می شود

اگر فردی خسیس باشید خسیس تر خواهید شد.

اگر مهربان و سخاوتمند باشید سخاوتمند تر خواهید شد.

پس سعی کنید دریافت کننده های خوبی باشید ، هم برای پول و هم برای عشق و آرامش و شادی

